

شماره چاپ: ۱۲۱

ردیف: ۲۸



دوره دهم - سال دوم

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷/۲/۵

**گزارش نهایی تحقیق و تفحص  
از بررسی وضعیت افراد دولتی و دارای گرین کارت در حوزه مسئولان و مدیران  
ارشد و شناسایی خلاءهای قانونی در این موضوع**

**کمیسیون:**

**امنیت ملی و سیاست خارجی**

**معاونت نظارت**

**اداره کل امور کارشناسی نظارت**

شماره: ۵۸/۱۱۹۸۵/د

مورخ: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

هیئت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

احتراماً، پیرو نامه شماره ۵۸/۹۷۷۰۵/د مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۸ اصلاحات جزئی انجام شده در گزارش ارسالی هیئت تحقیق و تفحص از بررسی وضعیت افراد دو تابعیتی و دارای گرین کارت در حوزه مسئولان و مدیران ارشد و شناسایی خلاءهای قانونی در این موضوع که در جلسه روز یکشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ کمیسیون مورد بررسی مجدد قرار گرفت و به تصویب رسید ایفاد می گردد.

**علاءالدین بروجردی**

**رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی**

IC/Amna

## پیش درآمد

گسترش روز افزون تهدیدات دشمن علیه اهداف و آرمان های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با هدف به زانو درآوردن ملت انقلابی ایران ، امروزه در قالب های گوناگونی رخ عیان می نماید. نفوذ گسترده عوامل داخلی و خارجی بر افراد و نهادها و دستگاه های تصمیم ساز و تصمیم گیر از اهم این موارد است . افشای بعضی از مصادیق نفوذ از طریق گسیل افراد دوتابعیتی در کشور و تاثیرگذاری ایشان بر نهادهای مهم و حساس و روشن شدن ابعاد امنیتی پشت پرده آن با هدف تزلزل در ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران؛ جمعی از نمایندگان مجلس نهم و دهم را بر آن داشت که در این حوزه ، از فرصت قانونی تحقیق و تفحص استفاده کرده و به این موضوع مهم بپردازند.

بدین ترتیب طرح تحقیق و تفحص از افراد مذکور در حوزه مقامات و مسئولین در مجلس نهم کلید خورد لکن بنابر مصالحی که جناب آقای دکتر لاریجانی رئیس مجلس وقت نهم مد نظر داشت مبنی بر آنکه زمان کافی برای رسیدگی در آن مجلس برای پرداخت به این امر نبود، پس از تشکیل مجلس دهم و پس از به روز رسانی، طرح مذکور در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۷ به تصویب مجلس محترم رسید و احکام آن در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۴ توسط ریاست محترم مجلس جناب آقای دکتر لاریجانی صادر گردید و کمیته تحقیق و تفحص کار میدانی و کارشناسی خود را آغاز نمود . این گزارش حاصل یکسال تلاش هیئت تحقیق و تفحص، به خصوص کارشناسان زبده حقوقی و امنیتی حاصل شده است، که جهت ادامه سیر مراحل قانونی در غالب ۳۳ صفحه متن گزارش، ۴۰ صفحه پیوست به همراه ضمائم (کلیه مکاتبات تیم تحقیق و تفحص با دستگاهها و سازمانها) تقدیم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس می گردد. ضمناً از همراهی و مساعدت سازمان اطلاعات سپاه، قوه قضائیه، دادستان محترم کل کشور، فرماندهی محترم ناجا، وزارت امور خارجه و سایر دستگاهها و نهادهایی که در انجام و پیشبرد اهداف این تحقیق و تفحص ما را یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

مقدمه.....	۵
مبحث اول: خلاءهای قوانین موجود در نحوه به کارگیری افراد دوتابعیتی و دارای مجوز اقامت در دستگاه‌های اجرایی.....	۵
گفتار اول- بررسی موضوع .....	6
گفتار دوم- بررسی خلاءهای قانونی به کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در دستگاه‌های اجرایی .....	8
گفتار سوم- بررسی راهکارهای رفع خلاءهای قانونی به کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در دستگاه‌های اجرایی .....	10
گفتار چهارم- ارائه راهکارها و پیشنهادات .....	11
مبحث دوم: نواقص اجرایی نحوه شناسایی افراد دوتابعیتی.....	۱۳
مبحث سوم: فرصت‌ها و تهدیدات افراد دارای تابعیت مضاعف.....	۱۹
مبحث چهارم: گزارش استعلامات از دستگاه‌های اجرایی.....	۲۵
مبحث پنجم: پیش‌نویس طرح.....	۲۹
نتیجه‌گیری:.....	۳۱

## مقدمه

تابعیت عبارت است از عضویت فرد - حقیقی یا حقوقی - در جمعیت تشکیل دهنده دولت، که بیانگر رابطه حقوقی، سیاسی و معنوی فرد تابع با دولتی معین می باشد و ثمره آن بهره مندی وی از حقوقی است که به موجب قوانین کشور متبوع برای شهروندان آن وجود دارد. به عبارت دیگر تابعیت عبارتست از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می سازد.

از جمله شرایط مهم برای اشتغال به خدمت دولتی، با توجه به معنای تابعیت، این است که فرد شاغل تحت حمایت سیاسی و حقوقی و اجتماعی هیچ حکومت دیگری - به دلیل داشتن تابعیت آن کشور- نباشد تا بتواند به وظیفه خود به طور کامل عمل نماید؛ زیرا حمایت دو یا چند دولت از یک فرد موجب ایجاد اختلال در رابطه آن دولت‌ها با وی و رابطه وی با آن دولت‌ها خواهد بود.

فرد مورد اشاره دارای تعهدات و تکالیفی نسبت به دولت دیگری است و آن دولت نیز این شخص را مورد حمایت سیاسی و حقوقی خود قرار داده است، در نتیجه این امکان قوی وجود دارد که در صورت اشتغال به خدمت در دولت ایران، با توجه به رابطه سیاسی، حقوقی و تعهداتی که نسبت به دولت دیگر دارد، تعهدات خود به دولت ایران را نتواند انجام داده یا عامدانه در انجام تعهدات خود خلل ایجاد نماید. تابعیت مضاعف باعث ایجاد ارتباط سیاسی، معنوی، حقوقی و اجتماعی بین یک فرد و دو یا چند دولت می شود که موجب ایجاد شکاف‌هایی در رفتار آن دولت‌ها با وی و رفتار وی با آن دولت‌ها خواهد بود. فلذا ضروری است در اشتغال این افراد به خدمات دولتی، جهت پیشگیری از سوء استفاده سرویس‌های جاسوسی بیگانه از افراد مذکور در تکمیل پروژه‌های نفوذ و جاسوسی، مقررات پیشگیرانه و ضمانت اجراهای مؤثر در خصوص عدم به‌کارگیری این افراد در مشاغل دولتی وضع گردد.

## مبحث اول: خلاءهای قوانین موجود در نحوه به‌کارگیری افراد دوتابعیتی و دارای مجوز اقامت در دستگاه‌های اجرایی

بر اساس ماده (۹۸۹) قانون مدنی ایران که از اوایل قرن سیزدهم شمسی در حال اجراست، تابعیت خارجی هر تبعه ایرانی که بعد از سال ۱۲۸۰ هجری شمسی و بدون رعایت مقررات کسب کرده باشد کان لم یکن بوده و آن فرد تبعه ایران شناخته می‌شود. منظور از مقررات قانونی بر طبق ماده (۹۸۹)، ترک تابعیت ایرانی از سوی فرد می باشد. بدین ترتیب بر اساس قانون مدنی ایران، تابعیت دوم به رسمیت شناخته نمی شود و افراد دارای تابعیت مضاعف نه می‌توانند به اشتغال در امور دولتی و حاکمیتی بپردازند و نه می‌توانند اموال غیر منقول به نام خود داشته باشند.

اصل (۴۱) و (۴۲) قانون اساسی به موضوع تابعیت اشاره داشته و آن را حق مسلم هر فرد ایرانی می‌داند و سلب تابعیت تنها از طریق درخواست وی یا کسب تابعیت کشور دیگر امکان‌پذیر است. بنابراین با توجه به ماده (۹۸۹) ق.م و اصل (۴۱) و (۴۲) قانون اساسی، در قوانین ایران تابعیت مضاعف پذیرفته نشده است و تابعیت خارجی فرد - حال به هر علتی که ایجاد شده باشد- معتبر نیست. مع الوصف وضعیت عدم پذیرش تابعیت مضاعف در قوانین موضوعه ایران به صراحت مشخص شده، لکن در خصوص نحوه به‌کارگیری افرادی که دارای تابعیت مضاعف می‌باشند خلاءهای اساسی وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

### گفتار اول- بررسی موضوع

از منظر حقوق بین الملل خصوصی، چند علت برای ایجاد تابعیت مضاعف وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. کسب تابعیت جدید بدون ترک تابعیت قبلی،
۲. ازدواج با اتباع سایر کشورها،
۳. تحمیل تابعیت از سوی دو یا چند کشور بر یک فرد بر اساس قوانین خود (مانند سیستم خون و خاک)،
۴. مواردی دیگر مانند اشغال نظامی،

از منظر حقوق ایران نیز در برخی موارد امکان تحقق تابعیت مضاعف وجود دارد. مواردی که در حقوق ایران موجب ایجاد تابعیت مضاعف می‌شود به شرح زیر است:

۱. کسب تابعیت مضاعف از طریق محل تولد: برخی کشورها مانند آمریکا و کانادا، افرادی که در خاک آن کشورها متولد شوند را تبعه آن کشور تلقی می‌نمایند، که اصطلاحاً سیستم خاک نامیده می‌شود. همواره افراد ایرانی‌ای هستند که در کشورهایی که دارای سیستم خاک هستند، متولد شده و دارای تابعیت مضاعف می‌باشند، هم ایرانی و هم مثلاً آمریکایی است.
۲. ازدواج زن ایرانی با اتباع بیگانه: مواردی وجود دارد که زنان ایرانی با اتباع سایر کشورها ازدواج می‌کنند، در خصوص زن ایرانی، در صورتی که ازدواج وی باعث شود قانون مملکت زوج تابعیت شوهر را به وی تحمیل نماید، از منظر حقوق ایران، تابع آن کشور شناخته می‌شود. (ماده ۹۸۷ قانون مدنی) لکن در صورتی که ازدواج بدون ثبت رسمی باشد، در برهه‌ای از زمان هم ایرانی و هم خارجی خواهد بود.
۳. مشمولین بند (۴) ماده (۹۷۶) قانون مدنی: بر اساس این بند کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند ایرانی محسوبند و این در حالی است که امکان دارد تابعیت والدین وی بر اساس قوانین کشورهای متبوع آنان بر فرزند نیز تحمیل شود.

۴. مشمولین بند (۵) ماده (۹۷۶): بر اساس این بند کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. هر چند هم‌اکنون در خصوص مشمولین این بند، قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در خصوص متولدین قبل از سال ۱۳۸۶ حاکم می‌باشد.

۵. مشمولین بند (۶) ماده (۹۷۶): بر اساس این بند هر زن تبعه‌ی خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، ایرانی محسوب است و این در حالی است که امکان دارد کشور متبوع وی، تابعیت خود را هم‌چنان معتبر بداند.

۶. مشمولین بند (۷) ماده (۹۷۶): بر اساس این بند هر تبعه‌ی خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد ایرانی محسوب می‌شود و این در حالی است که امکان دارد کشور متبوع وی، تابعیت خود را هم‌چنان معتبر بداند. هر چند هم‌اکنون کسب تابعیت ایران احتیاج به ترک تابعیت قبلی دارد ولی مواردی نیز متصور است که این امر حاصل نشود مانند پناهندگی.

۷. کسانی که تابعیت خارجی را اکتساب نموده ولی مقررات مربوط از جمله ترک تابعیت ایرانی را رعایت ننموده باشند.

۸. در مواردی نیز این موضوع به فرزندان و همسران افراد فوق‌الذکر تسری می‌یابد.

در حقوق بین‌الملل خصوصی برای رفع تابعیت مضاعف، چند راهکار وجود دارد مانند کشف تابعیت مؤثر، ارجاع به داوری بین‌المللی و امثال آن.

در حقوق ایران تابعیت مضاعف پذیرفته نشده است؛ از منظر حقوق ایران، تابعیت خارجی فرد - حال به هر علتی که ایجاد شده باشد - معتبر نیست اما با توجه به قوانین سایر کشورها و در فضای بین‌المللی وجود تابعیت دیگر برای آن فرد محرز بوده و آثار خاص خود - که مهم‌ترین آن حمایت سیاسی آن دولت از فرد می‌باشد - را عملاً به وجود می‌آورد.

دلیل این امر نیز این است که تابعیت یک رابطه سیاسی اجتماعی حقوقی و معنوی بین حکومت یک کشور و افراد تحت حاکمیت آن کشور می‌باشد که آنها را در مقابل یکدیگر دارای حقوق و تکالیف ساخته و اثر اصلی آن حمایت سیاسی آن کشور از اتباع خود در داخل و در عرصه بین‌المللی است.

تابعیت مضاعف باعث ایجاد ارتباط سیاسی، معنوی، حقوقی و اجتماعی بین یک فرد و دو یا چند دولت می‌شود که موجب ایجاد شکاف‌هایی در رفتار آن دولت‌ها با وی و رفتار وی با آن دولت‌ها خواهد بود.

از جمله این موضوعات نحوه به‌کارگیری این افراد (دارندگان تابعیت مضاعف) در مشاغل دولتی می‌باشد. استخدام افراد در دستگاه‌های دولتی همواره شرایطی را دارد که این شرایط اجازه ورود هر فردی را به عنوان مستخدم دولتی به دستگاه‌های اجرایی، نمی‌دهد.

از منظر حقوق ایران ورود به خدمت دولتی بر اساس مجوزهای صادره، تشکیلات مصوب و رعایت مراتب شایستگی و ... است (ماده (۴۱) قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۷) و همچنین بر اساس بندهای (ب) و (ط) ماده (۴۲) همین قانون دارای شرایط عمومی برای همه است که داشتن تابعیت ایران و همچنین التزام به قانون اساسی از جمله این شرایط است.

از دیگر شرایط مهم برای اشتغال به خدمت دولتی، با توجه به معنای تابعیت، این است که فرد شاغل تحت حمایت سیاسی و حقوقی و اجتماعی هیچ حکومت دیگری - به دلیل داشتن تابعیت آن کشور - نباشد تا بتواند به وظیفه خود به طور کامل عمل نماید؛ زیرا همان گونه که بیان شد حمایت دو یا چند دولت از یک فرد موجب ایجاد اختلال در رابطه آن دولت‌ها با وی و رابطه وی با آن دولت‌ها خواهد بود.

### گفتار دوم- بررسی خلاءهای قانونی به‌کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در دستگاه‌های اجرایی

در خصوص موضوع به‌کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در دستگاه‌های اجرایی چند خلاء اساسی در قوانین موضوعه وجود دارد که اهم این خلاءها را می‌توان به شرح ذیل عنوان داشت:

۱. عدم تسری ممنوعیت اشتغال دارندگان تابعیت مضاعف اکتسابی، به دارندگان تابعیت مضاعف

تحمیلی در خصوص مشاغل عالی و حساس، علی‌رغم تهدیدات موجود

۲. عدم پرداختن به موضوع مجوز اقامت

۳. فقدان تصریح نوع رابطه استخدامی در قانون

۴. فقدان ضمانت اجرای مؤثر برای ممنوعیت‌های شغلی در نظر گرفته شده در قانون

۵. عدم جرم‌انگاری استتکاف از خوداظهاری دارندگان تابعیت مضاعف حین مراحل استخدام یا پس از آن.

۱- عدم تسری ممنوعیت اشتغال دارندگان تابعیت مضاعف اکتسابی، به دارندگان تابعیت مضاعف

تحمیلی در خصوص مشاغل عالی و حساس، علی‌رغم تهدیدات موجود

طبق ماده (۹۸۹) قانون مدنی کسانی که تابعیت خارجی را اکتساب نموده ولی مقررات - از جمله ترک تابعیت ایرانی- را رعایت ننموده باشند؛ تابعیت خارجی آنان کان‌لم‌یکن تلقی و کلیه اموال غیر منقول وی به فروش رسیده و از اشتغال به وزارت و معاونت و نمایندگی مجلس و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم هستند.

از سوی دیگر برخی افراد، هر چند تابعیت سایر کشورها را کسب ننموده‌اند، لکن با توجه به قوانین محل تولد یا ازدواج با اتباع بیگانه، تابعیت دیگری به آنان تحمیل شده است. به عنوان مثال افراد مشمول بند (۴) و (۵) ماده (۹۷۶) قانون مدنی از این دسته هستند.



این اشخاص هر چند ناخواسته دارای تکالیف و تعهداتی نسبت به دولت دیگری هستند لکن با توجه به اینکه آن دولت این افراد را مورد حمایت سیاسی و حقوقی خود قرار داده است، ضروری است در نحوه اشتغال این افراد به خدمات دولتی، دقت لازم صورت گیرد. پیشنهاد این است که اشخاص مذکور، نه مانند افرادی که تابعیت دیگر کشورها را کسب نموده اند و از هر خدمت دولتی محرومند، تنها از اشتغال در پاره‌ای از مشاغل منع شوند و یا اشتغال و به‌کارگیری ایشان منوط به ترک تابعیت کشور ثانی باشد. دلیل این امر نیز تحمیل ناخواسته تابعیت سایر کشورها به آنان است که موجب می‌شود بر خلاف افرادی که تابعیت دیگر کشورها را کسب نموده‌اند، از حق اشتغال به خدمات حکومتی محروم نشوند.

## ۲- عدم پرداختن به موضوع مجوز اقامت

در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان، یکی از راهکارهای کسب تابعیت، داشتن مجوز اقامت دائم در آن کشورهاست. در این طریقه کسب تابعیت که بسیار معمول است، فردی که متقاضی صدور سند تابعیت می‌باشد -البته در غیر مواردی مانند پناهندگی که راهکارهای خاصی برای آن پیش بینی شده است- ابتدا مجوز اقامت دائم در آن کشور را پس از سرمایه گذاری اقتصادی یا کسب مجوز اقامت دائم یا ارائه خدمت خاص به آن کشور به دست می‌آورد. پس از کسب مجوز اقامت دائم، فرد می‌تواند بدون اخذ روادید آزادانه به آن کشور رفت و آمد داشته و هر مدتی که تمایل دارد در آن کشور اقامت داشته باشد. در حال حاضر در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا یا برخی کشورهای اروپایی، مجوز اقامت دائم تقریباً با حق شهر وندی (تابعیت) یکسان بوده و جز حق رأی دادن و سایر حقوق سیاسی شهروندی، تقریباً هیچ تفاوتی با حق شهروندی ندارد.

در حقیقت داشتن مجوز اقامت دائم در یک کشور به خصوص در کشورهای پیشرفته صنعتی، هرچند تابعیت آن کشور محسوب نمی‌شود لکن موجب حمایت‌های اجتماعی و حقوقی آن کشور از فرد دارنده مجوز اقامت دائم است.

از سوی دیگر شخصی که دارای مجوز اقامت در کشور دیگری است، فارغ از اینکه که علاقمند به زندگی دائم در آن کشور است، عموماً وابستگی حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و معنوی به آن کشور دارد؛ هرچند که این وابستگی و علقه به میزان علقه‌ای که در تابعیت حاصل می‌شود نیست.

نکته دیگر این است که در بسیاری از کشورها شرط بقای مجوز اقامت دائم سفر سالانه به آن کشور یا مدت اقامت معین سالانه یا دوره‌ای در آن کشور می‌باشد که موجب می‌شود فرد دارنده مجوز اقامت مدت قابل توجهی از سال را در آن کشورها به سر ببرد.

مسائل مذکور موجب می‌شود که در وضعیت فعلی نظام جمهوری اسلامی در مورد افرادی که مشغول به خدمات دولتی می‌باشند و دارای مجوز اقامت سایر کشورها هستند، احتیاطات لازم به عمل آید.

## ۳- فقدان تصریح نوع رابطه استخدامی در قانون

برخی از صاحبان نفوذ و بعضی از عناصری که به زعم مدیران عالی رتبه کشور به دلیل جایگاه و ارتباطشان با خارج از کشور کارشناسان متبحری در موضوعات تخصصی هستند تحت عناوین مختلف نظیر مشاور به

کارگرفته می‌شوند. با توجه به قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون استخدامی کشور به کارگیری افراد به عنوان مشاور، رابطه استخدامی با دولت محسوب نمی‌شود. متأسفانه در دستگاه‌های اجرایی از این خلاء قانونی سوء استفاده شده تا آنجا که شاهد آن هستیم که در موارد متعددی مسئولان عالی نظام از افراد دو تابعیتی در سمت‌های مشاور استفاده می‌کنند.

لذا علاوه بر آنکه ممکن است تفکوات و تصمیمات فرد مسئول، به این‌گونه از افراد - که بعضاً جاسوس یا نفوذی هستند- وابسته گردد؛ این افراد به راحتی می‌توانند به اسناد طبقه‌بندی و محرمانه کشور دسترسی پیدا کنند. لذا ضروری است سمت مشاور و نظایر آن در ممنوعیت‌های شغلی، صراحتاً در قانون ذکر گردد.

#### ۴- فقدان ضمانت اجرای مؤثر برای ممنوعیت‌های شغلی در نظر گرفته شده در قانون

در قانون مدنی، ماده (۹۸۹) برای اتباع ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی تابعیت سایر کشورها را کسب کرده‌اند و ماده (۹۸۲) در مورد اتباع غیر ایرانی که تابعیت ایران را کسب کرده‌اند ممنوعیت‌های شغلی در نظر گرفته است. لکن هیچ ضمانت اجرایی مؤثری برای این ممنوعیت‌های شغلی لحاظ نشده و به جرم‌انگاری اشتغال در این مشاغل ممنوعه پرداخته نشده است؛ که این امر منجر به بی‌اعتنایی نسبت به این ممنوعیت‌ها و اشتغال در این مشاغل شده است. لذا ضروری است ضمانت اجرای مؤثری در این موضوع وضع گردد.

#### ۵- عدم جرم‌انگاری استتکاف از خوداظهاری دارندگان تابعیت مضاعف حین مراحل استخدام یا پس از آن

با توجه به نبود بانک اطلاعاتی افراد دو تابعیتی و ضعف دستگاه‌های متولی در شناسایی افراد دو تابعیتی علی‌الخصوص وزارت امور خارجه و اذعان مقامات مسئول وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه «مبنای پرونده‌های این وزارتخانه و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی، اطلاعات کشف ناشی از خوداظهاری مراجعه‌کنندگان به نمایندگی‌های کشورمان در خارج از کشور بوده» ضروری است برای مستخدمین دولت در بدو ورود و حین اشتغال شرط خوداظهاری در مسئله اخذ تابعیت و مجوز اقامت سایر کشورها لحاظ شود و برای آن ضمانت اجرای مؤثری در نظر گرفته شود. چه آنکه ما برای چنین افرادی ممنوعیت شغلی در نظر گرفته‌ایم اما به دلیل ضعف‌های مذکور قادر به شناسایی این افراد نیستیم.

#### گفتار سوم- بررسی راهکارهای رفع خلاهای قانونی به کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در دستگاه‌های اجرایی

با توجه به آسیب‌های که در بخش پیشین در خصوص خلاهای قانونی به کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در دستگاه‌های اجرایی، مطرح گردید در ادامه به تبیین راهکارهای رفع این خلاءها و آسیب‌ها می‌پردازیم:

۱. کسانی که تابعیت خارجی را اکتساب نموده ولی مقررات را رعایت ننموده باشند، طبق ماده (۹۸۹) قانون مدنی تابعیت خارجی وی کان‌لم‌یکن تلقی و از هرگونه مشاغل دولتی محروم می‌گردند.

لذا از منظر حقوق ایران و بر طبق قانون مدنی تکلیف دارندگان تابعیت مضاعف اکتسابی بدون رعایت مقررات مشخص است. البته در صورتی که طبق تبصره همین ماده تابعیت خارجی وی به رسمیت شناخته شود، وی اجازه ورود یا اقامت به ایران داشته ولی تابعیت ایرانی را نخواهد داشت. در نتیجه مهمترین شرط در کسب تابعیت دیگر کشورها از منظر قانون مدنی، خروج از تابعیت ایران است که رعایت مقررات ماده (۹۸۸) مانند اجازه هیئت وزیران در آن ذکر شده است، لذا هر شخصی که بدون خروج از تابعیت ایران، تابعیت سایر کشورها را کسب نموده مشمول ماده (۹۸۹) و ممنوع از اشتغال به خدمات دولتی می‌باشد.

۲. کسانی که تابعیت ایران را تحصیل می‌نمایند، در صورتی که تابعیت کشور متبوع خود را ترک کرده باشند فقط ایرانی محسوبند، ولی در مواردی مانند پناهندگی، ترک تابعیت قبلی صورت نگرفته است هم‌چنان در برخی موارد دوتابعیتی محسوب است، لکن از منظر حقوق ایران، تکلیف این افراد مشخص بوده و ایرانی محسوب می‌شوند لکن آیا می‌توان این افراد را به استخدام دولتی گمارد یا خیر؟ با توجه به اینکه استخدام دولتی یک رابطه سیاسی و حقوقی بسیار قوی بوده و وفاداری کامل فرد را به دولت مستخدم وی می‌طلبد به خصوص در مشاغل حساس، ماده (۹۸۲) قانون مدنی برخی از مشاغل را برای کسانی که تابعیت ایرانی کسب نموده‌اند ممنوع ساخته است.

۳. زنانی که در اثر ازدواج با مردان ایرانی، ایرانی محسوبند. این افراد نیز مشمول ماده (۹۸۲) قانون مدنی هستند.

۴. در خصوص موارد تابعیت مضاعفی که در این قسمت بیان گردید، متأسفانه، ترتیب خاصی در خصوص اشتغال به خدمت دولتی این دسته از افراد در قوانین فعلی دیده نمی‌شود. با توجه به مباحث مطرح شده و هم‌چنین لزوم حفظ امنیت کشور در وضعیت کنونی، نیاز به قانون‌گذاری در این زمینه به شدت احساس می‌شود.

#### گفتار چهارم - ارائه راهکارها و پیشنهادات

با توجه به قسمت‌های قبلی گزارش چند راهکار در خصوص نحوه اشتغال این افراد بیان می‌گردد:

۱. به نظر می‌رسد دیدگاه مشترک در خصوص افرادی که تابعیت دیگر کشورها را بدون ترک تابعیت ایرانی خود، کسب نموده‌اند و هم‌اکنون مشغول به خدمت دولتی یا عمومی یا قضایی هستند یا در آینده احتمال اشتغال آنان وجود دارد، به ترتیب محرومیت دائم از هرگونه خدمت دولتی، عمومی و قضایی و ممنوعیت

دائم از این خدمات می باشد. هم‌چنین اعمال حکم ماده (۹۸۹) قانون مدنی در خصوص تمامی این افراد ضروری است.

در خصوص افراد دوتابعیتی که هم‌اکنون با کتمان موضوع به استخدام دولتی درآمده یا در حین اشتغال به خدمت دولتی، تابعیت دیگر کشورها را کسب نموده اند و موضوع را کتمان کرده‌اند، باید مجازات در نظر گرفته شود زیرا که این افراد عالمانه و عامدانه ممنوعیت مذکور را نادیده گرفته‌اند. جزئیات مجازات پیشنهادی در قسمت نهایی ذکر می‌شود.

۲. با توجه به اهمیت دوتابعیتی نبودن در اشتغال به خدمت حکومتی و هم‌چنین با توجه به مسایل امنیتی و رخنه‌های جاسوسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید در خصوص افرادی که تابعیت سایر کشورها به آنان تحمیل شده است و هر چند ناخواسته تحت حمایت سایر دولت‌ها نیز هستند، تدبیری اتخاذ گردد.

هرچند برخی از افراد فوق در تحصیل تابعیت خارجی، دخالتی نداشته و بدون اختیار دارای تابعیت مضاعف شده‌اند اما نکته بسیار مهم این است که خدمت دولتی با توجه به رابطه فرد مستخدم با دولت (با هر نوع رابطه استخدامی) نیازمند دوتابعیتی نبودن وی است و هم‌چنین در شرایط حاضر، چون کشور جمهوری اسلامی ایران، دارای شرایط ویژه ای است، لذا به دلیل وضعیت تابعیت مضاعف، سپردن هر نوع پستی به آنان نیز محل تأمل است. در نتیجه با توجه به دو جنبه مسأله (عدم دوتابعیتی بودن در اشتغال به خدمت دولتی و از سوی دیگر تحمیل تابعیت مضاعف ناخواسته به این افراد) این راهکار پیشنهاد می‌شود که استخدام آنان تنها در مشاغل عالی یا حساس (مانند مشاغل مذکور در ماده (۹۸۲) قانون مدنی) ممنوع شود. ۳. افرادی که با علم و اطلاع، دارندگان تابعیت مضاعف را استخدام نموده یا خواهند نمود، نیز مشمول مجازات باشند.

۴. رکنه حایز اهمیت دیگر، خوداظهاری افرادی است که با دولت رابطه استخدامی دارند یا خواهند داشت. چراکه با توجه به اینکه اشتغال به خدمت دولتی با توجه به اهمیت آن و نوع رابطه شاغل به خدمت با دولت نیازمند وحدت و یگانگی تابعیت فرد می‌باشد، خوداظهاری فرد دارای تابعیت مضاعف حین استخدام یا در طول دوره استخدام ضروری است.

۵. در خصوص افرادی که دارای مجوز اقامت می‌باشند هم می‌توان برای آنان ممنوعیت شغلی در مشاغل حساس در نظر گرفت هم می‌توان این افراد را صرفاً ملزم به خوداظهاری کرد و در صورت عدم خوداظهاری برای آنان مجازات در نظر گرفت.

۶. با توجه به وضع ممنوعیت شغلی در مواد (۹۸۲) و (۹۸۸) قانون مدنی و عدم ضمانت اجرای مؤثر، ضروری است در این خصوص ضمانت اجرای مؤثری در نظر گرفته شود.

جزئیات پیشنهادات فوق در فصل پنجم که شامل پیش‌نویس طرح قانونی است ذکر شده است.

## مبحث دوم: نواقص اجرایی نحوه شناسایی افراد دو تابعیتی

### ۱- وزارت امور خارجه

با توجه به اینکه تنها مرجع ثبت اطلاعات افراد دو تابعیتی و تنها مرجع استعلامی در خصوص تابعیت مضاف اتباع ایرانی وزارت امور خارجه است؛ وزارت امور خارجه در پاسخ کمیته تحقیق و تفحص در خصوص نحوه ثبت اطلاعات و شناسایی این افراد و نحوه پاسخ استعلامات معاونت کنسولی وزارت امور خارجه به سازمان ها و دستگاهها و نهاد های نظارتی و امنیتی در نامه ۴۷۱۷۶۲۶/۵۳۰/۷۲۳ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۳۰ اعلام داشته است:<sup>۱</sup>

«روش های دستیابی به وضعیت تابعیتی و اقامتی افراد به شکل کاملاً کشف و آشکار توسط نمایندگی های سیاسی و کنسولی کشورمان در خارج از کشور انجام می گیرد.

افراد در صورت مراجعه به نمایندگی های کشورمان در خارج از کشور جهت انجام خدمات کنسولی ملزم به ارائه مدارک هویتی و اقامتی خود در خارج از کشور می باشند که مامور کنسولی با بررسی اسناد ارائه شده نسبت به ثبت وضعیت آنها در سامانه جامع کنسولی اقدام می نمایند و بدین وسیله از طریق وزارت امور خارجه نهادهای ذی ربط مانند وزارت اطلاعات از لیست کسانی که دارای تابعیت دیگری هستند، آگاه خواهند شد.»

همچنین معاونت کنسولی وزارت امور خارجه در این نامه اعلام داشته که امکان شناسایی افراد مقیم در سایر کشورها با استفاده از ابزارهای رسمی از طریق استعلام بی نتیجه است زیرا عملاً کشورها به استناد محرمانگی اطلاعات شخصی افراد از پاسخگویی به استعلامات سرباز می زنند.

«اکثراً دولت ها بویژه دولت های عمده اروپایی و آمریکا با استناد به مقررات حقوق بشر و محرمانه بودن اطلاعات شخصی افراد معمولاً از پاسخگویی به استعلامات رسمی به عمل آمده از سوی نمایندگی های کشورمان در این خصوص استنکاف می نمایند.»

معاون کنسولی وزارت امور خارجه در ادامه تأکید می نماید که هیچ گونه راه مشخص قانونی جز خوداظهاری داوطلبانه در جهت شناسایی افراد دارای تابعیت مضاعف وجود ندارد. و این بدان معناست که افراد می توانند از اظهار داوطلبانه تابعیت دوم یا سوم خود استنکاف نمایند و در این رابطه تأکید می نماید:

«شایان ذکر است وزارت امور خارجه به غیر از موارد فوق و خوداظهاری افراد مشمول تابعیت مضاعف یا مقیم خارج از کشور، راه کار قانونی دیگری برای کشف وضعیت اقامتی و تابعیتی آنها در اختیاری ندارد. بنابراین نداشتن سابقه ای از تابعیت مضاعف افراد به معنی نفی قطعی چنین موضوعی نیست. زیرا اعلام نظر این وزارتخانه مبتنی بر اطلاعاتی است که در اختیار دارد.»

ضمناً معاونت کنسولی وزارت امور خارجه در نامه ۷۳۱/۱۰۶/۴۶۹۳۲۲۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۶ تأکید می نماید که:<sup>۲</sup>

«وزارت امور خارجه مطابق شرح وظایف ذاتی خود ، عملاً و قانوناً به طرق دیگری نمی تواند به اطلاعات شخصی افراد دسترسی یابد مگر آنکه از سوی نهادهای ذی ربط، اطلاعاتی در موارد مطروحه واصل گردد.»

آنچه بسیار حائز اهمیت است آن است که وزارت امور خارجه رسماً اعلام می نماید که پس از اخذ گذرنامه توسط افراد هیچ گونه امکان نظارت و کنترل بر این افراد وجود ندارد . این وزارتخانه در نامه ۷۳۱/۱۰۶/۴۶۹۳۲۲۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۶ تصریح می نماید:<sup>۳</sup>

«وزارت امور خارجه ... اطلاعی از انجام یا عدم انجام سفرهای مقامات دولتی پس از صدور گذرنامه، زمان ورود و خروج آنها به کشورهای ثالث، ملاقات مقامات دولتی با مقامات کشورهای دیگر و ... ندارد.»

شایان توجه است که علی رغم اهتمام جدی وزارت خارجه در برخورد با دارندگان تابعیت سایر کشورها و همسران ایشان تأکید می نماید که افرادی که به هر نحو با این وزارتخانه مهم - که بسیاری از تصمیمات استراتژیک کشور با آن مرتبط بوده و افراد آن به اسناد دارای طبقه بندی کشور دسترسی داشته و از تصمیمات اساسی و محرمانه نظام مطلع بوده اند- همکاری داشته اند و پس از انفکاک از این وزارتخانه اطلاعی در مورد مهاجرت یا اخذ تابعیت ، اقامت کشورهای دیگر وجود ندارد . ضمن آنکه وزارت امور خارجه در خصوص تابعیت فرزندان مسئولین آن وزارتخانه و سایر وزارتخانه ها که ممکن است از طریق سیستم حقوقی خاک تابعیت کشورهای دیگر را اخذ کرده اند سکوت نموده است؛ اگرچه شواهدی بر اثبات این مدعا وجود دارد.

در این میان لازم است به این نکته توجه شود که علاوه بر آنکه در خصوص اخذ تابعیت افراد عادی در سای کشورهای امکان اطلاع وجود ندارد، در خصوص نحوه استفاده دارندگان گذرنامه های دولتی (عنوان دار- عهده دار مأموریت) در خارج از کشور نیز هیچ گونه امکان مشخصی وجود ندارد . معاونت کنسولی وزارت امور خارجه در نامه ۴۷۰۴۷۳۵ / ۷۲۰/۵۰۰/ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ به کمیته تحقیق و تفحص اعلام می نماید:<sup>۴</sup>

«در مورد گذرنامه های عنوان دار نظیر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، وزرا و ... پس از مهورشدن به مهر ورود در اختیار دارنده گذرنامه قرار می گیرد که ممکن است فرد با گذرنامه عادی از کشور خارج و در خارج از کشور از گذرنامه دولتی خود استفاده یا سوء استفاده نماید و مجدداً در بازگشت از گذرنامه عادی خود استفاده نماید.»

۲ - ر.ک پیوست ۲

۳ - ر.ک پیوست ۳

۴ - ر.ک پیوست ۳

جالب این است که نص صریح تبصره (۲) ماده (۱۳) قانون گذرنامه، تأکید دارد که کلیه دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمت در موقع ورود به کشور باید گذرنامه‌های خود را به وزارت امور خارجه تحویل دهند. متأسفانه بسیاری از مقامات که دارای گذرنامه عنوان‌دار هستند، از این وظیفه‌سرباز زده و بدون مجوز گذرنامه‌ها را نزد خود نگه می‌دارند.»

علاوه بر مکاتبات صورت گرفته با وزارت امور خارجه (معاونت کنسولی) تصمیم تیم تحقیق و تفحص بر آن شد تا کارشناسی جهت بررسی دقیق‌تر در آنجا (مرکز اسناد وزارت امور خارجه) مستقر گردد و در همین راستا یک نوبت بازدید توسط رئیس کمیته تحقیق و تفحص از مخزن اسناد وزارت امور خارجه صورت گرفت.

نتایج بازدید و مشاهدات رئیس کمیته تحقیق و تفحص و کارشناس مستقر در وزارت امور خارجه نشان‌دهنده یک نوع بی‌انضباطی و هرج و مرج در نحوه نگه‌داری اسناد و عدم وجود سازوکارهای لازم جهت ایجاد یک بانک اطلاعاتی است؛ که نه تنها معاونت کنسولی عزم جدی در تهیه این بانک اطلاعاتی ندارد روش خاصی نیز برای شناسایی این افراد در نظر گرفته نشده است. مشاهدات نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از این اسناد به صورت سنتی و برگه‌ای بایگانی شده که در معرض امحاء و آسیب هستند. حجم کمی از اطلاعات افراد دوتابعیتی به صورت بانک اطلاعاتی و نرم‌افزاری است که مربوط به سال ۱۳۹۰ به بعد می‌باشد (همان سامانه جامع کنسولی)؛ و اطلاعات افراد دوتابعیتی قبل از سال ۱۳۹۰ که بیشترین حجم از اسناد را شامل می‌شوند به دلیل عدم ثبت سیستمی امکان بهره‌برداری از آن فراهم نیست.

#### ارزیابی کمیته تحقیق و تفحص از وزارت امور خارجه:

ارزیابی کمیته تحقیق و تفحص در خصوص ثبت اطلاعات افراد دوتابعیتی و بهره‌برداری از آن به نحوی است که اولاً حجم بالایی از این اسناد هویتی مهم تاکنون به صورت سیستمی ثبت نشده و بلا استفاده در مخزن اسناد وزارت امور خارجه نگهداری می‌شوند و بالتبع امکان بهره‌برداری از آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. ثانیاً استعلاماتی که از سوی وزار تخانه مذکور به نهادهای نظارتی و امنیتی ارائه می‌شود ناظر بر اطلاعات سیستمی سال ۱۳۹۰ به بعد بوده و شامل اطلاعات قبل از سال ۱۳۹۰ (که حجم زیادی از اطلاعات را شامل می‌شود) نمی‌باشد فلذا در عمل پاسخ استعلامات وزارت امور خارجه به نهادهای نظارتی و امنیتی غیر قابل استناد و بهره‌برداری است.

#### ۲- وزارت اطلاعات:

این وزارتخانه که اشراف کلی بر موضوع دو تابعیتی‌ها دارد، در گزارشی به هیئت تحقیق و تفحص این گونه بیان می‌دارد:

بررسی وضعیت برخی از مدیران، متخصصان و کارشناسان بخش‌های مختلف و مرتبط با حوزه‌های علمی و حساس، مبین آن است که تعداد قابل توجهی از افراد مذکور دارای تابعیت مضاعف و یا گرین

کارت و اقامت کشورهای خارجی می باشند. برخی از تبعات اشتغال و انتصاب افراد مذکور از منظر ضد اطلاعاتی عبارتند از:

- ۱- عدم تعهد و صداقت کامل نسبت به قوانین و ضوابط جمهوری اسلامی ایران؛
  - ۲- اعتماد و وابستگی سازمانی به طرف مقابل در مقایسه با میزان وابستگی و تعلقات ملی و داخلی؛
  - ۳- اخذ تعهد از سوی برخی کشورهای مبنی بر لزوم پایبندی به منافع ملی و همکاری با سرویس اطلاعاتی؛
  - ۴- تأثیرپذیری از دیدگاه‌ها و تفکرات و اجرای آنها در کشور؛
  - ۵- مراجعه و تخلیه اطلاعاتی در مقطع ورود و یا حضور در کشور مورد نظر و الزام به پاسخگویی؛
  - ۶- پیامدهای حقوقی، سیاسی و رسانه‌های (عملیات روانی) برخورد با جامعه مذکور؛
- در این راستا؛ مواد قانونی و به ویژه ماده (۹۸۹) مبنی بر ممنوعیت به کارگیری اتباع دارای تابعیت مضاعف و اقامت خارج کشور، باعث گردیده که امکان بهره برداری از بخشی از ظرفیت‌های ملی و به ویژه در حوزه‌های علوم نوین و انتقال تکنولوژی با موانع و مشکلاتی همراه باشد که عملاً آن را به یک پارادوکس تبدیل نموده است. از سوی دیگر سرویس‌های اطلاعاتی ضمن رصد برنامه‌ها و ج‌دیت جمهوری اسلامی ایران در اجرای قوانین؛ مبادرت به طراحی روش‌های جایگزین جهت عبور از قوانین و اعطای تسهیلات به افراد مورد نظر و به‌ویژه پس از انتصاب در پست‌های مدیریتی می‌نمایند. لذا با عنایت به اهمیت موضوع، برخی از ضرورت‌ها و ملاحظات در به‌کارگیری جامعه مذکور عبارتند از:
- تعیین کانون‌ها و مراکز حساس کشور (برحسب اولویت اهداف و اقدامات سرویس‌های اطلاعاتی) و طراحی نحوه دسترسی به اطلاعات مهم؛
  - ضرورت طراحی سیستمی حیطة بندی (در قالب ذهن تفریقی) جهت ایجاد پراکندگی حرفه ای اطلاعات و ممانعت از تبیین و تصویر دقیق پروژه‌های حساس؛
  - ضرورت تعریف دقیق وظایف و مأموریت‌ها در قالب ارسال مطالب تئوریک، انجام تحقیقات و پژوهش و ارسال نتایج، معرفی متخصصین یا شرکت‌های مرتبط با نیازمندی‌های کشور درحوزه‌های دانش‌بنیان و فن‌آوری؛
  - ضرورت تعیین رشته‌ها و تخصص‌های خاص و مورد نیاز کشور؛
  - توجه به تلاش سرویس‌های اطلاعاتی جهت افزایش قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری از بستر افراد مذکور؛



لازم به توضیح است که افراد دارای تابعیت مضاعف و اقامت خارج کشور؛ حداقل در (۱۹) حوزه مورد استعلام قرار گرفته‌اند که بر اساس آمار تقاضا که منجر به مخالفت و عدم تأیید صلاحیت گردیده (۲۱۰ مورد طی ۲ سال گذشته).

هیئت تحقیق و تفحص مدارک به دست آمده در این موضوع را حضوراً در اختیار دادستان محترم کل کشور جهت اقدامات قضایی قرار داده است.

### ۳- پلیس گذرنامه ناجا

پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا در خصوص سازوکارهای شناسایی افراد دو تابعیتی در این رابطه طی مکاتباتی با کمیته تحقیق و تفحص در نامه ۱۴/۲۸/۴/۲۷۹/۶/۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ اعلام نموده است که: «اطلاعات این افراد، همسر، فرزندان، پدر و مادر آنان از طریق نمایندگی های ج.ا.ایران در خارجه، هنگام ورود به کشور در مبادی مرزی و هنگام مراجعه به پلیس جهت اخذ گذرنامه، اخذ و ضمن اطلاع رسانی به وزارت امور خارجه در رابطه با داشتن تابعیت مضاعف مورد اشاره در مواد (۹۸۹) ق.م.م مشخصات گذرنامه خارجی آنان به جهت جلوگیری از تردد با مدرک خارجی در سیستم مرزی پلیس مهاجرت ثبت می گردد و در حال حاضر اطلاعات بیش از نیم میلیون از اتباع ایرانی که دارای تابعیت مضاعف می باشند به صورت پرونده ای و بیش از (۷۷) هزار نفر به صورت سیستمی در این پلیس وجود دارد.»

این بدان معناست که اخذ اطلاعات در خصوص افراد دو تابعیتی منوط به اظهار و تسلیم اسناد مثبت است و اگر کسی از این امر خودداری نماید باز هم مشکل اصلی شناسایی افراد به قوت خود باقی است. در همین راستا کمیته تحقیق و تفحص طی جلساتی با مسئول اداره تابعیت پلیس امنیت در خصوص سازوکارهایی شناسایی افراد دو تابعیتی مذاکراتی صورت داد که مشخص گردید پلیس امنیت با عنایت به ماموریتش در کنترل ورود و خروج افراد از مرزهای کشور، اقداماتی را در خصوص شناسایی و ثبت اطلاعات افراد به جهت ایجاد بانک اطلاعاتی صورت داده است و در اقدامی با تشویق افراد به خوداظهاری و اعمال تخفیف در اخذ عوارض ورود و خروج توانسته این گونه افراد را تشویق به اعلام تابعیت، اقامت و ... نماید؛ که توفیقاتی در این راستا کسب نموده است لکن شورای عالی امنیت ملی طی مصوبه ای در نامه شماره ۱۸۴۸۶۴ به تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۰۶ از اقدامات مذکور ممانعت به عمل آورد، که به نظر می رسد این اقدام ظرفیت های بالقوه پلیس امنیت را در شناسایی افراد دو تابعیتی با چالش جدی مواجه ساخته است.

مصوبه شورای عالی امنیت ملی به شماره نامه ۱۸۴۸۶۴ به تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۰۶

- نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور موظف اند به تمامی اتباع ایرانی دارای سند هویتی معتبر، در صورت تقاضا پس از احراز هویت و بدون توجه به اسناد اقامتی آنان در کشور خارجی، گذرنامه و یا اسناد در حکم آن بدهند.

- اتباع ایرانی فاقد گذرنامه و یا مشابه آن در صورت مراجعه به مبادی ورودی پس از ارائه سند معتبر هویتی مبنی بر تابعیت ایرانی به مأموران ناجا و احراز هویت می‌توانند به کشور وارد شوند.

#### ۴- وزارت کشور

در این میان اظهار نظر وزارت کشور بسیار قابل توجه است. معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور و دبیر شورای امنیت کشور در خصوص افراد دارای تابعیت مضاعف ضمن تأیید پنهانی بودن فرآیند اخذ تابعیت و عدم سازوکار مشخص در رابطه با شناسایی این افراد مگر از طریق مراجع امنیتی در نامه ۱۹۱۷۰/۴۲۵/الف/ش اظهار می‌دارد:<sup>۶</sup>

«با عنایت به ماهیت موضوع و محدودیت‌هایی که در قانون برای دارندگان تابعیت مضاعف پیش‌بینی شده، فرآیند دریافت این تابعیت یا گرین کارت معمولاً به صورت پنهانی انجام شده و دارندگان آن نیز معمولاً اقرار به داشتن آن نمی‌کنند. با وجود این، ممکن است وزارت اطلاعات یا نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اطلاعاتی در خصوص موضوع داشته باشند و همچنین تأکید می‌نماید که انتصاب افراد به مسئولیت‌های دولتی نیز تنها از طریق خوداظهاری است، و سازوکار مشخصی در این رابطه وجود ندارد و راه حل را در اصلاح فرم‌های دولتی می‌داند:

«با توجه به اینکه انتصاب افراد به مسئولیت‌های دولتی بر اساس خوداظهاری انجام می‌گیرد، برای پیشگیری از انتصاب افراد دارای تابعیت دوگانه به نظر می‌رسد فرم‌های انتصاب افراد و فرم‌های حراستی نیاز به اصلاح دارد.»

علی‌هذا چنانچه فرم‌های حراستی نیز مورد اصلاح قرار گیرد باز هم عامل مؤثری در جهت الزام افراد برای اعلام تابعیت مضاعف پیش‌بینی نشده است.

در همین خصوص سازمان ثبت احوال که از سازمان‌های تابعه وزارت کشور می‌باشد اشاره به موضوع قابل توجهی دارد که هر ساله میزان قابل توجهی واقع ولادت در خارج از کشور رخ می‌دهد که طبعاً برای آنها شناسنامه ایرانی صادر می‌شود که تعداد قابل توجهی از این افراد، بر اساس سازوکار حقوقی آن کشورها (سی‌سی‌تم خاک) تابعیت آن کشور را دارا می‌گردند. این سازمان در نامه شماره ۱/۴۶۴۳۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۳ اعلام داشته است:<sup>۷</sup>

۶ - ر.ک پیوست ۵

۷ - ر.ک پیوست ۶

«اختلاف نظر در سیاست گذاری و به کارگیری مکانیزم های تابعیت توسط دولت ها، عملاً در بحث تابعیت، مشکلات بسیاری از جمله تابعیت مضاعف یا بی تابعیتی را حادث می نماید. فی‌المثل در کشوری مثل آمریکا که تابع سیستم خاک (اقامتگاه) می باشد فرزندان منتسب به پدر ایرانی که در خاک آن کشور متولد می شوند، خود به خود از تابعیت کشور آمریکا برخوردار می گردند، حال اینکه بر اساس سیستم خون، طبق قواعد مربوط به تابعیت در کشور ما، تبعه ایران محسوب می شوند. چنان که در سال ۱۳۹۴ تعداد ۱۲۱۵۶ مورد واقعه ولادت در خارج از ایران رخ داده است که طبعاً برای آنها شناسنامه ایرانی صادر شده و از سوی دیگر تابعیت کشور محل تولد را نیز دارا گردیده‌اند. البته قانون‌گذار در جهت رفع مشکل تابعیت، در فرض اخذ تابعیت ایران و همچنین تحصیل تابعیت کشور دیگر در مادتين (۹۸۴) و (۹۸۹) قانون مدنی به گونه‌ای ارائه طریق نموده است؛ هر چند این تکلیف فاقد ضمانت اجراء مؤثر می باشد.»

لذا به نظر می رسد سازمان ثبت احوال می تواند بانک اطلاعاتی مناسبی از افرادی باشد که بر اثر تولد دارای تابعیت مضاعف شده‌اند.

#### ارزیابی کمیته تحقیق و تفحص از وزارت کشور:

چنانچه پیشتر اشاره شد وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس اعلام رسمی خود بر پنهانی بودن اخذ تابعیت سایر کشورها و عدم سازوکارهای دقیق تأکید دارد. این در حالی است که تنها با ایجاد هماهنگی بین وزارت کشور (سازمان ثبت احوال کشور) و وزارت امور خارجه می توان بلتبعیت افرادی را که در سایر کشورها متولد شده و برای اخذ اسناد هویت ایرانی مراجعه می نمایند و یا افرادی که در سایر کشورها به دلیل ازدواج با افراد غیر ایرانی تابعیت کشور دیگری را اخذ می نمایند، و جهت اصلاح اسناد هویتی خود بعدفاتر کنسولی ایران در آن کشورها مراجعه می نماید؛ تعیین نمود.

التهایه بنا بر بررسی های صورت گرفته کمیته تحقیق و تفحص از دستگاه های مذکور و ارزیابی های به عمل آمده در خصوص سازوکارها و راه های شناسایی افراد دوتابعیتی به نظر می رسد وزارت امور خارجه باید ضمن رفع نواقص و کاستی های خود در حوزه اجرا جهت ثبت و شناسایی این افراد و تکمیل بانک اطلاعاتی، ظرفیت های موجود نهادها و سازمان های مرتبطی هم چون پلیس امنیت، سازمان ثبت احوال، را شناسایی و از آنها استفاده کند.

#### مبحث سوم: فرصت ها و تهدیدات افراد دارای تابعیت مضاعف

بهره گیری از توانمندی های اقتصادی و علمی سایر کشورها و ایجاد تعامل سازنده مبتنی بر عزت با کشورهای دنیا از جمله باورهای نظام و ضرورت کنونی جهان امروز است. بسیاری از افراد ایرانی به دلایلی نظیر مهاجرت برای تحصیل و کسب دانش روز دنیا و یا تولد در سایر کشورها از فرصت های اقتصادی و علمی موجود در آنها بهره برداری نموده‌اند و فی الحال از جمله اندیشمندان موفق و تراز اول علمی دنیا بوده

و مایه سرفرازی ایران هستند ، از بزرگترین فرصت های پیش روی نظام جمهوری اسلامی هستند که نظام می تواند با استفاده از دانش و مهارت آنان نسبت به اعتلای علمی، فنی، و سطح رفاه در جامعه تلاش نماید . بسیاری از این افراد که ه م اکنون در سایر کشورها زندگی می کنند اغلب مورد شناسایی قرار نگرفته اند تا بتوان از این ظرفیت های بالقوه در کشور استفاده نمود.

اشراف اطلاعاتی بر افراد دو تابعیتی جهت افزایش توان و کارکرد ایشان در جهت فرآیند رشد و توسعه ملی

از موارد غیر قابل انکار است هدایت و کنترل این افراد به سوی

مقصدهای ایمن و کارا در جهت نیل به مصالح ملی تنها با ایجاد

سازوکارهای قانونی و اجرایی و حفاظت و صیانت از این افراد

در مقابل نقشه های شوم دشمنان نظام و انقلاب ، عملی می گردد.

اگرچه چنین افرادی می توانند به جهت قابلیت های فردی و

اجتماعی متصورشان فرصت هایی را برای کشور فراهم نمایند

لکن تهدیدات بالقوه ایشان مسئله ای است که در صورت اغفال از آن آسیب های جدی را برای کشور محتمل می سازد.

موضوع تابعیت مضاعف از جمله مسائلی است که در سال های اخیر منشأ آسیب های بسیاری در حوزه گوناگون گردیده است.

هر چند بدو داشتن تابعیت مضاعف در آحاد جامعه نیز ممکن است مشکل ساز نباشد و یا اقدام افراد برای

کسب تابعیت سایر کشورها بدون سوء نیت و خدشه به عرق ملی و میهنی ایشان صورت گیرد اما تجربه

نشان داده است که قرارگیری افرادی ب ا تابعیت مضاعف در نهادهای تصمیم گیر و تصمیم ساز و افراد

منسوبین به مسئولین که نوعاً تأثیرگذار بر آنها می باشند واجد اهمیت بسیاری بوده و موجبات بروز

معضلاتی گردیده است.

با این مقدمه اجمالی حساسیت موضوع هنگامی مضاعف می شود که این گونه افراد یا به صورت مستقیم با

قرارگیری در سمت ها و جایگاه های مهم اجرایی، یا به صورت غیر مستقیم با نزدیک شدن به این جایگاه ها و

سمت ها هدف گذاری و چشم اندازهای نظام را بر خلاف مصالح و منافع کشور هدایت کنند و وضعیت حال

و آینده نظام را به مخاطره اندازند . لذا در ادامه به برخی از عوارض و تهدیدات ناشی از آن خواهیم

پرداخت.

## ۱- آثار حقوقی و قانونی پذیرش تابعیت کشورهای دیگر و تقابل آنها با منافع ملی

افراد مختلف هنگام دریافت تابعیت مضاعف از کشورهای مختلف می بایست قسم نامه ای را پذیرفته و بدان

پایبند باشند و این در حالیست که قسم نامه مذکور شامل بندهایی مبنی بر حفظ منافع کشور مذکور توسط

گیرنده تابعیت می باشد بطور مثال درباره قسم نامه شهروندی کشور آمریکا بیان شده است که «من با سوگند

اعلام می کنم هرگونه وفاداری و صداقت به هر شاهزاده ای، فرمانروایی، کشوری یا سلطنتی خارجی که پیش

از این زیر سلطه اش و یا شهروندش بودم، مطلقاً و تماماً انکار می کنم و پس می گیرم ... من هرگاه قانون

**The Oath of Citizenship of USA**  
I hereby declare, on oath, that I absolutely and entirely renounce and abjure all allegiance and fidelity to any foreign prince, potentate, state, or sovereignty of whom or which I have heretofore been a subject or citizen; that I will support and defend the Constitution and laws of the United States of America against all enemies, foreign and domestic; that I will bear true faith and allegiance to the same; that I will bear arms on behalf of the United States when required by law; that I will perform noncombatant service in the Armed Forces of the United States when required by the law; that I will perform work of national importance under civilian direction when required by the law; and that I take this obligation freely without any mental reservation or purpose of evasion; so help me God. In acknowledgement whereof I have hereunto affixed my signature.

مجاب کند در پشتیبانی از ایالات متحده آمریکا اسلحه به دست می‌گیرم... من این مسئولیت را با آزادی کامل و بدون هیچ‌گونه تردید فکری یا قصد گریز از آن می‌پذیرم تا پروردگار به من یاری رساند...»  
یا در سوگند نامه کشور کانادا با توجه به اینکه از کشورهای زیر نظر انگلیس می‌باشد، وفاداری به ملکه الیزابت دوم و ملکه کانادا و وارثان و جانشینان او وفادار باشم و باقی بمانم و با وفادرای قوانین کانادا را رعایت نمایم و تمام وظایفم را به عنوان شهروند کانادایی انجام خواهم داد.  
نکته حائز اهمیت در اعطا تابعیت مضاعف این می‌باشد که در صورت خیانت به کشور مذکور، فرد تابعیت آن کشور را از دست خواهد داد و از تمام مواهبی که از قبل آن بهره‌مند می‌گردید بی‌نصیب خواهد شد.  
همان‌طور که در نمونه‌های فوق مشاهده گردید کشورهای آمریکا و کانادا در قسم نامه‌های تابعیت خود شرایطی را قید نموده‌اند که در صورت رعایت آن، با توجه به اینکه این کشورها دارای تضاد منافع با ج.ا.ا. می‌باشند، موجبات عدم پابندی به قوانین ج.ا.ا.، عدم وفاداری به کشور و منافع ملی و خیانت به ج.ا.ا. را به دنبال خواهد داشت.

## ۲- استحاله فرهنگی، ایدئولوژیک

از دیگر موضوعات تابعیت مضاعف به ویژه در کشورهایی که هم اکنون بیشترین درخواست تابعیت از آنها صورت می‌پذیرد، ایجاد دلبستگی فکری - ایدئولوژیک به آن کشورها می‌باشد که به دلیل حضور فیزیکی در آن کشورها به مدت چندین سال جهت اخذ تابعیت و تحت تأثیر قرار گرفتن از سبک زندگی و نوع عملکرد جامعه آنجا، منتج می‌گردد و قرارگیری این چنین افرادی در مسندهای حساس نظام، زمینه‌ساز استحاله درونی انقلاب اسلامی به دلیل تفاوت و تضاد جدی نگاه فرهنگی با انقلاب اسلامی خواهد شد و از همین رو بود که امام خمینی (ره) در ۷ دی ماه ۱۳۶۰ فرمودند: «ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم لکن از شر تربیت‌شدگان غرب و شرق به این زودی‌ها خلاصی نخواهیم یافت.»

اگرچه بهره‌مندی از علوم و فنون و دانش‌های جدید و پیشرفته مورد تأکید بوده است لیکن آنچه در این مبنا باید مورد توجه قرار داد این است که افراد دوتابعیتی با پیش فرض‌های گفته شده (وابستگی سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیک به غرب و کشورهای معاند نظام) هنگامی که به عنوان اساتید دانشگاه و یا اعضای هیئت‌های علمی در مساند آموزشی و درم قام تربیت دانشجوی به عنوان آینده سازان و مدیران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور، قرار می‌گیرند بی‌شک با تزریق افکار غرب‌گرایانه خود در اندیشه این قشر دانش‌پذیر می‌توانند در طولانی مدت موجبات استحاله فرهنگی مدیران آینده کشور، انشقاق آنها از اندیشه‌های دینی و اسلامی و انقلابی و در نتیجه وابستگی به غرب و یا پیاده‌سازی اندیشه‌های پوچ و نخ‌نما شده‌ی غرب را فراهم نماید. اندیشه‌هایی که هم اکنون غرب را به اضمحلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشانده است.

هم اکنون بسیاری از کتب ترجمه شده غرب به عنوان متون درسی دانشگاه‌های کشور مورد تدریس قرار گرفته و اندیشه‌های دانشمندان آنها که عمدتاً به منابع قدرت نظام‌س لطف متصل و مرتزق هستند توسط این‌گونه از اساتید در دانشگاه‌ها ترویج می‌شود. بررسی‌های ضمنی نشان می‌دهد که بسیاری از اساتید

غرب‌گرا در دانشگاه‌های کشور یا خود تبعه و مقیم سایر کشورها خصوصاً کشورهای اروپایی بوده و یا فرزندان ایشان در این کشورها در حال تحصیل و یا مشغول کار هستند. و ارتباط تنگاتنگی با دانشکده‌ها و اندیشکده‌های به ظاهر علمی غرب دارند.

### ۳- امکان انجام اقدامات پنهان منافی منافع و مصالح کشور

اعطای تابعیت مضاعف به افراد ایرانی، این امکان را به آنها می‌دهد تا با تابعیت مضاعف خود اقداماتی علیه منافع ملی ایران به انجام رسانند و مراوداتی را به کشورهای خود برقرار نمایند؛ به طور مثال آزادانه به کشور فلسطین اشغالی سفر نمایند و در عین حال با گذرنامه ایران ی خود نیز به داخل ج.ا.ا تردد می‌نمایند و اقدام به انواع امور ضدامنیتی نمایند بدون اینکه در داخل کسی از آن مطلع گردد و این در حالیست که دوتابعیتی نبودن نتایج حاصل از این مسئله را کاهش می‌دهد و در عین حال امکان اشراف اطلاعاتی جهت تقابل با اقدامات ضدامنیتی که از طریق گذرنامه‌های غیرایرانی خود انجام می‌گردد را، افزایش می‌دهد. فلذا کثرت تردد این افراد به کشورهای مبدأ و مقصد خصوصاً افرادی که شهروند هستند و یا مجوز اقامت دارند (به جهت حساسیت کمتر)، پوشش مناسبی برای پیاده سازی مأموریت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه می‌باشند. چه آنکه در برخی موارد اعطای تابعیت به سهولت و بدون تشریفات مرسوم در قبال ایشان انجام می‌گردد.

### ۴- تکمیل پروژه نفوذ

افراد دوتابعیتی به واسطه حضور مستمرشان در کشورهای دیگر، همواره در مظان توجه سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی بیگانه هستند و حتی اگر سوء نیتی برای اقدام علیه امنیت ملی نداشته باشند، احتمال بهره‌گیری ناخواسته از آنها در یک پروژه نفوذ و جاسوسی وجود دارد.

چه آنکه نفوذی برخلاف جاسوس، آشکارا و در چهره بزک‌کرده دوست اقدام به‌سوخ در ذهن و روحيات افراد می‌نماید و با هدایت ایشان در طول زمان، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های شخص را به سوی اهداف خود، جهت می‌بخشد.

به نحوی که رهبر انقلاب خطر حضور افراد نفوذی را چنین بیان نموده اند: «نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم و دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی آرایش‌شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگر چنانچه این حرکت را این‌جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری

می‌کند که شما حرکت را این‌جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه‌ی دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند اینها هم همیشه وجود داشته.» (بیانات معظم‌له در تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۴)

احصاء تهدیدات افراد دوتابعیتی در به‌کارگیری ایشان در نهادهای مهم کشوری، به شناخت ابعاد شخصیتی و هویتی این‌گونه از افراد باز می‌گردد. افرادی که به علت کثرت تردد و تعامل در حوزه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و اقتصادی و مجذوب پیشرفت و توسعه کشورهای توسعه یافته می‌گردند و تعهدات ایشان به دو کشور بعضاً غیرهمسو، الزامات متفاوتی و بعضاً متناقضی را از ایشان در عرصه‌های گوناگون خواستار می‌گردد. که در بسیاری از موارد تناقضات آشکاری در عرصه‌های گوناگون با مبانی سیاست‌های نظام اسلامی دارد. این‌گونه از افراد با توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌شان سودای یک زندگی رؤیاگونه را در آن کشورها در ذهن می‌پروراند و بیگانگان نیز از این خصیصه، آگاهانه با اعطای تابعیت حتی بدون تشریفات مرسوم استقبال می‌نمایند و این‌گونه است که پروژه نفوذ آغاز می‌گردد.

نحوه بهره‌برداری از ظرفیت‌های افراد دوتابعیتی در حوزه‌های گوناگون جهت اجرایی کردن پروژه نفوذ، توسط سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی دشمن را می‌توان به سه قسم تقسیم نمود:

#### قسم اول: مدیران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان رسمی

به‌کارگیری این افراد در مناصب دولتی به دلیل وابستگی‌های پیش‌گفته، می‌تواند بالقوه و بالفعل متضمن تهدیدات جدی باشد؛ به‌طوری‌که تأثیرات اقتصادی و سیاسی این افراد در بروز تهدیدات بسیار عمیق و بعضاً غیر قابل جبران است. به‌طور مثال افرادی چون سید حسین موسویان از جمیع این موارد است که به اتهام جاسوسی و همکاری با دول متخاصم خارجی در پرونده مذاکرات هسته‌ای تحت تعقیب قرار گرفته و محکوم گردید و هم‌اکنون در اندیشکده‌های آمریکایی مشغول فعالیت می‌باشد. از دیگر موارد می‌توان به افرادی چون محمدجعفر محلاتی (تبعه آمریکا) و سروس ناصری (شهروند اتریش و مقیم انگلیس) که به‌طور فعال در برهه تاریخی قطعنامه ۵۹۸، پذیرش پروتکل الحاقی توسط ایران، ایفای نقش محوری و هدایت‌کنندگی در مذاکرات سعدآباد در جهت هدایت و پیشبرد توافق برجام حضور داشته‌اند، اشاره نمود.

دُری اصفهانی (تبعه کانادا) از دیگر محکومین به اتهام جاسوسی در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بود که در رأس حساس‌ترین بخش مذاکرات یعنی کمیته مالی - بانکی بوده است که پذیرش اجرای FATF به عنوان پیش‌شرط امضاء برجام و در منگنه قرار دادن نظام به نحوی که راه رفت و برگشت برای آن وجود نداشته باشد، از نتایج آن بوده است. نکته حائز اهمیت آنکه مشارالیه در اعترافات خود به صراحت عنوان داشته

است که نمایندگی شرکت PWC مستقر در امارات از وی خواسته است تا افراد مطمئنی را جهت همکاری با این مؤسسه به آن معرفی نمایند که ترجیحاً تابعیت مضاعف داشته باشند که وی نیز دو نفر به نام‌های فریده شیرازی و مشکان مشکور (تبعه فرانسه و از مشاوران تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در توافق برجام) را به آنها معرفی نموده است. از دیگر موارد در این زمینه می‌توان به خاوری اشاره نمود؛ همگان نیز ایجاد

خسارت وارده اقتصادی از سوی خاوری به عنوان مدیر عامل بانک ملی ایران و خروج سرمایه های هنگفت از کشور مطلع اند و نیاز به تشریح نداشته و توضیح واضح است.

### قسم دوم: بستگان سببی و نسبی مسئولین نظام

بستگان سببی و نسبی و فرزندان مسئولین که اگر چه خود مسئولیتی ندارند اما می توانند مقدمات نفوذ را در اتخاذ تصمیمات سیاسی فراهم نمایند. چه آنکه ممکن است با سوء استفاده سرویس های اطلاعاتی دشمن جذب شده و یا تحت فشار قرار گیرند تا بر روی مسئولین به طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر گذارند؛ و مسئولین کشور نیز به دلیل اعتماد د به فرزندان و بستگان خود از یک سو و یا تحت فشار سرویس ها برای حفظ منافع فرزندان و بستگان از سوی دیگر به طور مستقیم و غیر مستقیم اهداف دشمن را در کشور پیاده سازی نمایند.

اگر چه دستگاه های اجرایی کشور هیچ گونه اطلاعاتی از وضعیت تابعیت مضاعف فرزندان مسئولین نداده اند لیکن بررسی اخبار آشکار در میان رسانه ها، سوابق تحصیلی مسئولین و فرزندان آنها و نیز سابقه خدمت آنها در کشورهای خارجی قرائن و شواهد قابل اعتنایی را به دست می دهد که اثبات می نماید بسیاری از فرزندان مسئولین به دلایل متعدد نظیر تحصیل و تولد، تابعیت دیگر کشورها را اخذ نموده اند و یا تابعیت سایر کشورها بر آنان تحمیل شده است؛ و هم اکنون بدون ترک تابعیت آن کشورها مشغول فعالیت های اقتصادی و یا کارمندی در آن کشورها هستند فرزندان مسئولین عالی رتبه ای، نظیر وزیر محترم امور خارجه، نفت و برخی از مشاوران و دستیاران رئیس جمهور تنها نمونه ای از این دست افراد هستند. بدیهی است لازم است تا تدابیری در خصوص این دسته از افراد به ط و ر جدی اتخاذ گردد، به طوری که مقامات و اشخاص این چنین ملزم به اظهار دارا بودن تابعیت و اقامت سایر کشورها شده و یا در صورت کسب تابعیت های سایر کشورها نسبت به ترک تابعیت دوم اقدام نمایند.

### قسم سوم افراد عادی و سایر تابعان

این افراد که عموماً رابطه سببی و نسبی با مسئولین ندارند و اغلب به دلیل داشتن تخصص، مهارت و یا ارتباطات بین المللی به مسئولین نظام نزدیک می شوند و یا با معرفی افراد دیگر مورد اقبال مسئولین قرار می گیرند نیز می توانند در تکمیل پروژه نفوذ نقش اساسی ایفا نمایند. بسیاری از پرونده های مهم جاسوسی در کشور که در سال های اخیر کشف و پیگیری شده است، از این دست افراد بوده است که متأسفانه منتج به نفوذ در عالی ترین سطوح اجرایی کشور در سطح داخلی و بین المللی شده است. جیسون رضائیان (تبعه ایرانی و آمریکایی) از جمله آشکارترین و مشهورترین این موارد است که به اتهام جاسوسی به ۱۰ سال حبس محکوم گردید، که در سطح عالی ترین مقام اجرایی کشور نفوذ پیدا کرد بود. افرادی چون سعید عابدینی، امیر حکمتی از اتباع آمریکا و نیز اشخاصی چون هما هودفر (تبعه ایرانی - کانادایی) که در زمینه مسائل اجماعی و فمینیسم در ایران فعالیت های گسترده ای انجام داده بود و به اتهام همکاری با دول متخاصم به ۱۰ سال حبس محکوم شد و در جریان تبادل قرار گرفت.



کارن وفاداری از اتباع ایرانی و آمریکایی به همراه همسر خود آفرین نیساری پروژه نفوذ در حوزه فرهنگ را بر عهده داشته و از طریق ایجاد ارتباط با مسئولین فره نگی توانستند نقش بسزایی را در ایجاد بستر فعالیت هنرمندان ضد نظام فراهم نمایند.

شاید از جمله مهمترین کیس های نفوذ در ایران که در این قسم از افراد دوتابعیتی قرار می گیرند، مربوط به محمداقبر نمازی (از عوامل رژیم سابق و استاندار خوزستان در زمان شاه ملعون ) و پسرش سیامک نمازی باشد.

سیامک نمازی از طریق همکاری با مؤسسات برانداز NED و CIPE با ایجاد مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی و با چند صد هزار دلار بودجه که از سوی وزارت خارجه آمریکا تأمین می شد اقدام به شناسایی افراد مستعد اقتصادی و فرهنگی نمود و دوره های آموزشی ترویج دموکراسی و اقتصاد آزاد مبتنی بر نظریات اقتصاد ربوی و آمریکایی را برای ایشان برگزار نمود. وی در اعترافات خود بر این نکته تأکید می نماید که برای جلوگیری از حساسیت حاکمیت فعالیت را در حوزه های اقتصادی و فرهنگی گسترش داده است به نحوی که پس از آموزش های متعدد، این افراد یا به عنوان فعالین اقتصادی در جامعه مطرح می شدند و یا در مناصب اقتصادی کشور قرار می گرفتند و در این زمان آنها آن چیزی را تصمیم می گرفتند که سابقاً در این دوره های آموزشی فرا گرفته اند. وی در اعترافات خود متذکر می شود که اغلب مناصب و تصمیمات اقتصادی آثار سیاسی نیز به دنبال خواهد داشت.

نمونه های گسترده ای از این دست از افراد که به قصد نفوذ در مناصب حساس نفوذ کرده و یا با افراد تصمیم گیر نظام تقرب پیدا کرده اند همه بر این نکته تأکید دارند که لزوم شناسایی افراد دوتابعیتی از ضرورت های بسیار اساسی و حیاتی است.

### مبحث چهارم: گزارش استعلامات از دستگاه های اجرایی

با عنایت به اینکه اکثر دستگاه ها و سازمان ها در خصوص وجود افراد دوتابعیتی اعلام عدم حضور یا شناسایی کرده اند و از آنجایی که مرجع استعلامی آنها وزارت امور خارجه بوده است، لکن نمی توان این اظهار نظر را اعلام قطعی عدم وجود افراد دوتابعیتی دانست، چه آن که اولاً وزارت امور خارجه که تنها متولی ثبت اطلاعات افراد دوتابعیتی است در خصوص اظهار نظر دوتابعیتی بودن افراد در نامه ۷۲۳/۵۳۰/۴۷۱۷۶۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۳۰ اعلام داشته است:<sup>۱</sup>

«... نداشتن سابقه ای از تابعیت مضاعف افراد به معنی نفی قطعی چنین موضوعی نیست. زیرا اعلام نظر این وزارتخانه مبتنی بر اطلاعاتی است که در اختیار دارد.»

ثانیاً بنا بر مشاهدات عینی کارشناس و رئیس کمیته تحقیق و تفحص، تمامی اطلاعات وزارتخانه مذکور که به صورت سیستمی ثبت شده است (همان سامانه جامع کنسولی) مربوط به سال ۱۳۹۰ به بعد می باشد و تمام اطلاعات قبل از سال ۱۳۹۰ عملاً بلااستفاده در مخزن اسناد وزارت امور خارجه مانده است. لذا با توجه به عدم سازوکار مشخص ثبت اطلاعات افراد دوتابعیتی توسط این وزارتخانه و فقدان بانک اطلاعاتی جامع و نم ایان شدن آن در استعلامات دستگاه ها و سازمان های ذیل و با عنایت به تهدیدات احتمالی افراد دوتابعیتی در دستگاهها و سازمان های مذکور و در نتیجه عدم شناسایی و اشراف بر این افراد، ضروری است هر چه زودتر نسبت به تهیه بانک جامع اطلاعاتی و رفع خلاء های قانونی و اجرایی اقدام گردد.

ضمناً کمیته تحقیق و تفحص لیستی از بعضی از مقامات و منصوبین وزارتخانه ها در سطوح معاون، مدیرکل و مدیر به دستگاه های متولی جهت استعلام دوتابعیتی بودن این افراد ارائه کرده است که متأسفانه تاکنون پاسخ این استعلامات را دریافت نکرده است.

لازم به ذکر است بنا بر اعلام وزارت امور خارجه لیست اسامی افراد دوتابعیتی به وزارت اطلاعات ارائه می گردد که این موضوع در نامه ۴۷۱۷۶۲۶/۵۳۰/۷۲۳ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۳۰ منعکس گردیده است:<sup>۹</sup>  
«... مأمور کنسولی نسبت به ثبت وضعیت آنها در سامانه جامع کنسولی اقدام می نماید و بدین وسیله از طریق وزارت امور خارجه نهاد های ذی ربط مانند وزارت اطلاعات از لیست کسانی که دارای تابعیت دیگری هستند، آگاه خواهند شد.»

لکن علی رغم مأموریت ذاتی وزارت اطلاعات به عنوان مرجع امنیتی - نظارتی، متأسفانه همچنان عدم همکاری و مسامحه وزارت اطلاعات در این امر مهم مشاهده می گردد به نحوی که دادستان محترم کل کشور در نامه شماره ۱۴۰/۹۶۱/۲/۳۰۰/۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۸ چنین اظهار می نمایند:<sup>۱۰</sup>  
«این نهاد برحسب وظیفه قانونی لیست و خبر واصله در خصوص تعدادی از اشخاص مشکوک به تابعیت مضاعف و ... را برای وزارت اطلاعات ارسال تا موضوع را بررسی و نتیجه را اعلام نمایند، لذا هیچ گونه مشخصاتی جز لیست های اعلامی از سوی یکی از مراجع اطلاعاتی در این دادستانی موجود نمی باشد.»

همچنین دادستان محترم کل به طور مکرر و دائم از جایگاه حقوقی و قضایی خود پیگیر روشن شدن افراد دوتابعیتی در بدنه اجرایی و مسئولین می باشند و با انجام مصاحبه و موضع گیری های روشن حساسیت موضوع را مورد توجه قرار داده اند.

ضمناً سازمان بازرسی کل کشور در دیدار با هیئت تحقیق و تفحص اعلام نمودند که ما بر افراد دوتابعیتی اشراف داریم ولی متأسفانه اسامی را در اختیار هیئت تحقیق و تفحص قرار ندادند.

۹ - ر.ک پیوست ۱

۱۰ - ر.ک پیوست ۷

### پاسخ استعلامات وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها

ردیف	نام وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها	پاسخ استعلام	تاریخ و شماره نامه	توضیحات
۱	وزارت ارتباطات	در حال حاضر مواردی یافت نشد.	۷۷۰۱۶/۶ ۹۶/۰۷/۲۲	پیوست ۸
۲	وزارت امور اقتصاد و دارایی	تاکنون افراد دوتابعیتی به کارگیری نشده‌اند	۷۳۱۴۷/۲۰۴ ۱۳۹۶/۰۶/۲۰	پیوست ۹
۳	وزارت امور خارجه	هیچ یک از مدیران این وزارتخانه دارای تابعیت مضاعف و یا اقامت نمی‌باشند.	۴۶۹۳۲۲۴/۱۰۶/۷۳۱ ۱۳۹۶/۰۶/۲۶	پیوست ۱۰
۴	وزارت آموزش و پرورش	عدم ارائه پاسخی مناسب «مسئول پاسخگویی افراد دوتابعیتی وزارت اطلاعات می‌باشد»	۱۵۹۰۵/۶۲/م/۹۶ ۱۳۹۶/۰۷/۱۷	پیوست ۱۱
۵	وزارت بهداشت	پاسخ بررسی وضعیت تابعیت مضاعف این وزارتخانه در دو نوبت منفی گزارش شده است.	۸۴۰۶/۹۶/۱۰۰/۴ ۱۳۹۶/۰۶/۱۱	پیوست ۱۲
۶	وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی	در بایگانی اداره کل هیچ گونه مدارکی مشاهده نگردیده.	۱۸۱۸۶۸ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱	پیوست ۱۳
۷	وزارت جهاد کشاورزی	ارائه لیست افراد دارای تابعیت مضاعف و گرین کارت شاغل در آن وزارتخانه	م/۱۶۳ ۱۳۹۶/۰۹/۱۱	پیوست ۱۴
۸	وزارت دادگستری	اطلاعاتی مبنی بر دوتابعیتی بودن افراد مذکور در دسترس نمی‌باشد.	۱۳۳۹۶ ۱۳۹۶/۰۶/۱۵	پیوست ۱۵
۹	وزارت راه و شهرسازی	معرفی چهار نفر دو تابعیتی	۹۶/۷۲۰/۶۴۶۱۱ م/۴۲/۴۹۳۷	پیوست ۱۶
۱۰	وزارت صنعت معدن تجارت	فاقد اطلاعات افراد دو تابعیتی می‌باشد.	۶۰/۱۴۲۱۱۳ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱	پیوست ۱۷
۱۱	وزارت فرهنگ و ارشاد	ارائه لیست (۶) نفره مشکوک‌التابعین به وزارت امور خارجه جهت استعلام	۹۶/۳۸۳/۳۹۰۵ ۱۳۹۶/۰۹/۰۴	پیوست ۱۸
۱۲	وزارت کشور	اطلاعاتی در خصوص افراد دوتابعیتی و گرین کارت وجود ندارد.	۹۰۸۴۶ ۱۳۹۶/۰۶/۰۸	پیوست ۱۹
۱۳	وزارت نفت	تشخیص افراد دو تابعیتی امکان پذیر نبوده در صورت صلاحدید از مراکز ذی صلاح پیگیری شود	م ت ت ۱/۷۰۳ ۹۶/۱۰/۱۳	
۱۴	وزارت نیرو	عدم اظهار نظر		
۱۵	وزارت ورزش و جوانان	افراد شاغل دارای تابعیت مضاعف در سطح وزارتخانه و فدراسیون‌ها شناسایی نشده	۹۶/۲۵۳۵/۲۰۷۵۵۴ ۱۳۹۶/۰۹/۲۲	پیوست ۲۰
۱۶	وزارت علوم تحقیقات فن آوری	سابقه ای دال بر دوتابعیتی بودن گزارش نشد	۷/۲۲۶۸۶۲ ۹۶/۱۰/۳	پیوست ۲۱
۱۷	بانک مرکزی	افراد دو تابعیتی شناسائی نشده‌اند.	۹۶/۲۵۳۵/۲۰۷۵۵۴ ۱۳۹۶/۰۷/۰۴	پیوست ۲۲
۱۸	سازمان انرژی اتمی	افراد دو تابعیتی شناسائی نشده‌اند.	م-۱۰۶/۱۱۹/۳۰۴۷ ۱۳۹۶/۰۹/۱۴	پیوست ۲۳
۱۹	سازمان اداری و استخدامی کشور	هیچ یک از مسئولین دوتابعیتی نمی‌باشند.	۱۳۸۵۳۸۸ ۱۳۹۶/۰۶/۱۵	پیوست ۲۴
۲۰	معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری	فاقد مسئولان و مدیران دوتابعیتی می‌باشد.	م/۱۱/۳۷۹۴ ۱۳۹۶/۰۵/۲۳	پیوست ۲۵
۲۱	سازمان بازرسی کل کشور	فاقد مسئولان و مدیران دوتابعیتی می‌باشد.	۱۴۱۶۹۳	پیوست ۲۶

	۱۳۹۶/۰۷/۰۳			
پیوست ۲۷	۹۶/۳۲۰۳۹ ۱۳۹۶/۰۸/۱۳	مشاورین معاونین مدیران کل ستادی و استانی شامل اخذ تابعیت مضاعف نمی‌شوند.	سازمان حفاظت از محیط زیست	۲۲
پیوست ۲۸	۹۶۲/۲۰/۲۴۷۶ ۱۳۹۶/۰۶/۲۰	تابعیت دوگانه در مورد این دبیرخانه احصاء نگردیده	شورای هماهنگی مناطق آزاد	۲۳
پیوست ۲۹	۹۶/۲۱/۲۴۸۲۷ ۱۳۹۶/۰۸/۰۳	معرفی سه نفر دوتابعیتی	سازمان جمعیت هلال احمر	۲۴
پیوست ۳۰	ص/۹۶/۱۱۳۱۱ ۱۳۹۶/۰۷/۰۱	مدیران دوتابعیتی در این نهاد نمی‌باشد.	جهاد دانشگاهی	۲۵
پیوست ۳۱	۹۰۰/۹۶/۹۳۹۶۵ ۱۳۹۶/۰۶/۲۷	معرفی دو نفر دوتابعیتی	سازمان بهزیستی	۲۶
پیوست ۳۲	۹۶/۵۳/۱۵۸۹۱ ۱۳۹۶/۰۶/۰۶	افراد دارای تابعیت مضاعف مشاهده نگردیده	دانشگاه آزاد اسلامی	۲۷
پیوست ۳۲	۱/۴۹۹۵۷ ۱۳۹۶/۰۶/۲۲	اطلاعاتی از تابعیت مضاعف مدیران استانی و ستادی واصل نشده است.	سازمان ثبت احوال	۲۸
	۱۳۰۵۶۹ ۹۶/۶/۱۵	سابقه ای از افراد دو تابعیتی در این سازمان ثبت نگردیده	سازمان ملی استاندارد	۲۹
	م/۴۲/۴۹۳۷ ۹۶/۸/۱۴	معرفی چهار نفر دو تابعیتی	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۳۰

## مبحث پنجم: پیش نویس طرح

ماده ۱- کلیه افرادی که بدون ترک تابعیت ایرانی، تابعیت سایر کشورها را کسب نموده اند، به کارگیری یا استخدام آنها به هرنحوی از قبیل رسمی، پیمانی، قراردادی یا مشاوره در دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۲۹) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴) ممنوع بوده و مرتکب علاوه بر اجرای مقررات ماده (۹۸۹) قانون مدنی، به جزای نقدی درجه (۴) یا حبس درجه (۶) و استرداد تمام حقوق و مزایایی که دریافت کرده است، محکوم می شود.

تبصره- حکم این ماده در مورد افرادی که در حین به کارگیری یا اشتغال تابعیت سایر کشورها را کسب می نمایند نیز مجرا است.

تبصره- افرادی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون در دستگاه های مذکور اشتغال یافته اند، ضمن اجرای مقررات ماده (۹۸۹) قانون مدنی در مورد آنان مکلفند ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون خدمت خود را ترک نمایند. در غیر این صورت به مجازات های مقرر در ماده (۱) این قانون و استرداد تمامی حقوق و مزایایی که پس از پایان مهلت سه ماهه مذکور دریافت کرده اند محکوم می شوند.

ماده ۲- کلیه افراد مشمول بند (۴) و (۵) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و افرادی که به هر دلیلی نظیر قوانین محل تولد یا ازدواج با اتباع خارجی و مانند آن، بدون کسب تابعیت، تابعیت سایر کشورها به آنان تحمیل شده است یا خواهد شد و هم چنین افرادی که تابعیت ایرانی را کسب نموده اند یا می نمایند از اشتغال به مقامات ذیل ممنوع بوده و مرتکب به جزای نقدی درجه (۴) یا حبس درجه (۶) و استرداد تمام حقوق و مزایایی که دریافت کرده است، محکوم می شود.

الف- ریاست جمهوری و معاونین و مشاورین او

ب- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه و دادستانی کل

ج- وزارت و معاونت وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری

د- عضویت در مجلس شورای اسلامی

ه- عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر

و- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست و مأموریت سیاسی

ز- قضاوت

ح- عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی

ط- تصدی کلیه پست های حساس یا اطلاعاتی یا امنیتی.

تبصره ۱- تعیین مصادیق پست های حساس یا اطلاعاتی یا امنیتی به موجب آیین نامه ای است که با همکاری وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهیه و ظرف شش ماه به تصویب هیئت وزیران می رسد.

تبصره ۲- افرادی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون به مقامات مذکور اشتغال یافته اند، مکلفند ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون خدمت خود را ترک نمایند. در غیر این صورت به مجازات‌های مقرر در این ماده و استرداد تمامی حقوق و مزایایی که پس از پایان مهلت سه ماهه مذکور دریافت کرده‌اند محکوم می‌شوند.

**ماده ۳-** کلیه افرادی که به هر نحوی دارای تابعیت سایر کشورها باشند و در دستگاه‌های موضوع ماده یک این قانون به هر نحوی به‌کارگیری یا استخدام شوند از قبیل رسمی، پیمانی، قراردادی یا مشاوره مکلفند موضوع را به آن دستگاه اطلاع دهند. مستنکف از اجرای حکم این ماده به مجازات حبس درجه (۶) یا جزای نقدی درجه (۴) محکوم می‌شوند.

تبصره- حکم این ماده در مورد افرادی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون به هر نحو دارای تابعیت سایر کشورها هستند و در دستگاه‌های مذکور اشتغال دارند مجرا است.

تبصره- حکم این ماده در مورد افرادی که در حین به‌کارگیری یا اشتغال به هر نحو دارای تابعیت سایر کشورها شوند نیز مجرا است.

**ماده ۴-** کلیه افرادی که دارای مجوز اقامت سایر کشورها می‌باشند و در دستگاه‌های موضوع ماده یک این قانون به هر نحوی به‌کارگیری یا استخدام شوند از قبیل رسمی، پیمانی، قراردادی یا مشاوره مکلفند موضوع را به آن دستگاه اطلاع دهند مستنکف از اجرای حکم این ماده به مجازات حبس درجه (۷) یا جزای نقدی درجه (۵) محکوم می‌شوند.

تبصره- حکم این ماده در مورد افرادی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون به هر نحو دارای مجوز اقامت سایر کشورها هستند و در دستگاه‌های مذکور اشتغال دارند مجرا است.

تبصره- حکم این ماده در مورد افرادی که در حین به‌کارگیری یا اشتغال به هر نحو دارای مجوز اقامت سایر کشورها شوند نیز مجرا است.

**ماده ۵-** افرادی که با علم و اطلاع، افراد موضوع ماده یک و دو این قانون را به دستگاه‌های موضوع ماده یک و مقامات موضوع ماده (۲) آن به هر نحوی به‌کارگیری و استخدام نماید از قبیل رسمی، پیمانی، قراردادی یا مشاوره به جزای نقدی درجه (۵) یا حبس درجه (۶) و انفصال دائم از خدمات مذکور در ماده (۱) این قانون محکوم می‌شوند.

**ماده ۶-** وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مکلفند افراد متخلف موضوع این قانون را شناسایی و به دستگاه متبوع و مراجع صالح قضایی جهت اجرای احکام مقرر در این قانون معرفی نمایند.

**ماده ۷-** وزارت امور خارجه مکلف است با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (پلیس امنیت) و سازمان ثبت احوال نسبت به تهیه بانک اطلاعاتی افراد دو تابعیتی و دارای مجوز اقامت جهت شناسایی این افراد اقدام نمایند.

## نتیجه گیری:

در بررسی کمیته تحقیق و تفحص از افراد دوتابعیتی و دارای مجوز اقامت در دستگاه‌های اجرایی خلاء‌های قانونی و نواقص اجرایی مهمی مشاهده گردید.

اهم خلاء‌های قانونی موجود در این زمینه عبارتند از: عدم تسری ممنوعیت شغلی در صورت دیگر پیدایش تابعیت مضاعف و فقدان ضمانت اجرای مؤثر در موارد ممنوعیت های قانون جاری و عدم الزام افراد به خوداظهاری در بدو استخدام یا در حین اشتغال؛ که در این خصوص باید ضمناً بسط ممنوعیت شغلی در موارد پیش گفته و الزام به خوداظهاری با توجه به پنهانی بودن فرآیند اخذ تابعیت دوم، ضمانت اجرای مؤثری برای این ممنوعیت‌ها و عدم خوداظهاری وضع گردد.

اهم نواقص اجرایی موجود در این زمینه عبارتند از: فقدان بانک اطلاعاتی جامع از افراد دوتابعیتی؛ ناکارآمدی فرم‌های استخدامی و حراستی در این موضوع، که در این خصوص باید ضمن اصلاح فرم‌های استخدامی و حراستی با رویکرد خوداظهاری در موارد تابعیت و اقامت افراد، نسبت به تهیه بانک اطلاعاتی جامع از طرف وزارت امور خارجه اقدام شود.

اگرچه بنابر استعلامات اکثر دستگاه‌ها و سازمان‌ها افراد دوتابعیتی شناسایی نشده‌اند لکن این عدم شناسایی را نمی‌توان بر نبود افراد دوتابعیتی تلقی کرد چه آنکه اولاً سازوکار مشخصی برای شناسایی این افراد توسط دستگاه‌های متولی وجود ندارد ثانیاً اساساً بانک اطلاعاتی جامعی از این افراد موجود نیست تا این افراد را شناسایی کنند و متأسفانه در سال‌های بعد از انقلاب تاکنون وزارت امور خارجه عزم جدی در این موضوع مهم نداشته ثالثاً خلاءهای قانونی مهمی از جمله عدم الزام به خوداظهاری وجود دارد.

با توجه به بررسی‌های میدانی کمیته تحقیق و تفحص از دستگاه‌های مسئول و متولی شناسایی افراد دوتابعیتی و احراز نقص در بانک اطلاعاتی این افراد توسط دستگاه‌های مذکور، علی‌الخصوص وزارت امور خارجه، ضروری است این بانک به زودی ایجاد شود تا نهاد های امنیتی و نظارتی بتوانند با استفاده از این بانک اطلاعاتی نظارت و اشراف کارآمدتری داشته باشند.

به طور خلاصه راهکارهای موجود در خصوص شناسایی افراد دوتابعیتی و ممنوعیت به‌کارگیری آنان می‌تواند سه راه پیشنهادی ذیل را ارائه نمود:

- ۱- اصلاح قوانین و ضمانت اجرای مؤثر و بازدارنده.
- ۲- اصلاح فرم‌های استخدامی و حراستی بر مبنای خوداظهاری افراد در مسائل تابعیت مضاعف و مجوز اقامت
- ۳- ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص افراد دارای تابعیت مضاعف توسط وزارت امور خارجه با همکاری ناجا، وزارت کشور و سازمان ثبت احوال.